

# اربعینجریان تربیتی و تمدنی مؤثر در شکل‌دهی هویت جمعی و همگرایی امت اسلامی

گفت‌وگو باحجت‌الاسلام محمد کاشی‌زاده



فضای اربعین به‌عنوان یکی از قدرتمندترین محیط‌های تربیتی دینی شناخته می‌شود که حتی فردی بدون آشنایی قبلی، با ورود به آن به‌صورت ناخودآگاه در مسیر رشد ایمانی و هویتی قرار می‌گیرد. این حرکت جمعی گسترده، همچون هیأتی ۸۰ کیلومتری، نمادی از ایثار، همدلی و اتحاد امت اسلامی است که هویت ولایی و ایمانی را تقویت می‌کند. اربعین نه‌تنها بر پایه آموزه‌های انقلاب اسلامی و نگاه امام خمینی علیه‌السلام به امت‌گرایی استوار است؛ بلکه به ـعنوان نمادی فراتر از مرزهای ملی، وحدت امت اسلامی را به نمایش می‌گذارد. این حرکت دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی و تمدنی است و ظرفیت ایجاد همگرایی میان امت‌ها و اقلیت‌های مختلف را دارد. استمرار و تعمیق این تجربه تربیتی، وابسته به پیوندهای ایمانی مستمر و حمایت مسئولان برای حفظ بعد معرفتی آن می‌باشد که می‌تواند، زیربنای جامعه توحیدی و آمادگی ظهور را فراهم آورد.

**ه برای شروع بحث بفرمایید اثر تربیتی اربعین بر افراد چیست و چه تأثیری می‌تواند در جامعه ما بر جای بگذارد؟**

● فضای اربعین فضایی است که اگر یک فرد را بدون هیچ ذهنیت قبلی وارد فضای اربعین کنیم، بدون اینکه برایش توضیح داده باشیم، خواص اربعین چیست؟ خود به خود در محیط تربیتی قرار می‌گیرد. این نکته اربعین بسیار زیباست که یک انسان کاملاً غافل، وقتی در یک فضای اربعین پیاده‌روی می‌کند، ایثار، همدلی، برادری و جمعیتی جمعی – که یک هویت واحد دارد – همه اینها را در این مسیر در میان یک محیط تربیتی درک می‌کند. یکی از قوی‌ترین محیط‌های تربیت دینی، مکان‌هایی است که مراسم دسته‌جمعی گرفته می‌شود؛ مانند هیئات. اربعین یک هیأتی به‌طول ۸۰ کیلومتر با ضریب انسان‌هایی است که این جاده را طی می‌کنند و شخص چند شبانه‌روز در یک هیأتی مستمر زندگی می‌کند. هیأت صرفاً به‌معنای روزه‌خواندن نیست. آن تجمیع قلوب و تأنیس انسان‌های دین‌داری است که با همدیگر هم‌گرا می‌شوند؛ به‌همین خاطر هیأت یکی از مهم‌ترین پایه‌های تمدنی شیعه است. نقش هیأت بسیار مهم است؛ حتی هیأت‌های خانگی با جمعیت‌های نه‌چندان زیاد، همین‌ها هم پایه تمدنی هستند؛ چون جامعه‌سازی می‌کنند. جامعه‌ای رومبنای ولایت و به‌هم‌پیوستگی ایمانی شکل می‌دهند. اینها محیط‌های تربیت‌کننده هستند؛ اینها محیط‌هایی هستند که برای تربیت طراحی شده‌اند؛ حتی ناخودآگاه‌ترین افراد هم، در محیطی که این ویژگی‌ها را دارد، متحول می‌شوند. اربعین یک طراحی بسیار قوی ایمانی و قوی‌ترین و مؤثرترین محیطی است که می‌تواند، یک فرد را به‌لحاظ ایمانی رشد بدهد. من نمی‌خواهم بقیه فضاها را نفی کنم؛ اما این هویت جمعی بسیار قوی فضای اربعین و نمودها و جلوه‌های ایمانی که رخ می‌دهد، بسیار آخراًزمانی و رشد‌دهنده‌ای بسیار قوی هستند.

**ه تأکید بر حرکت جمعی در این مسیر بر چه اساس است؟ این حرکت جمعی قرار است، چه آثاری داشته باشد؟**

● یک بخش دیگر رابطه با امروز است. نکته‌ای که عرض می‌کنم، بسیار مهم است. انسان یک موجود مختار است. نمی‌توانیم هیچ‌کس را مجبور به هیچ کاری کنیم. این اختیار وجود دارد و باید ببینیم، خودش آن را در چه زمینه‌ای مصرف می‌کند؛ یعنی از اختیار خودش به کجا می‌رسد؟! آن محیطی که طراحی شده است، برای این است که انسان فردیت رشد کند؛ به‌عنوان مثال اگر کسی که در فضای فردیت رشد کرده باشد؛ یعنی آن هویت وجودی‌اش یک هویت فردی و اصالت منافع باشد، اگر اموالی به دستش برسد، علی‌القاعده باید احتکار کند؛ چون منافعی بیشتر است و



هرقدر با احتکار بتواند قیمت‌ها را بالا ببرد، به‌نفع خودش است. فردی که احتکار می‌کند، یک هویت کاملاً فردی برای خودش دارد؛ اما همین انسان اگر آن روحیه و هویت جمعی را داشت، این فرد یک سال سرمایه‌اش را پس‌انداز می‌کرد که در خدمت زائران اربعین قرار بدهد. هیچ‌کدام از این دو نفر مجبور نیستند و هر دو اختیاری کار می‌کنند. این ثمره نظام تربیتی است.

در موضوع وضعیت امروز، از ابتدای تاریخ دین، تا به امروز که نفس می‌کشیم و زندگی می‌کنیم، شاید طلایی‌ترین دوره دین، امروز باشد. اگر به بیانیه‌های گام دوم مراجعه کنیم، مقام معظم رهبری یک تعبیر بسیار دقیقی در این فضا دارند. می‌گویند زمانی که جمهوری اسلامی پیروز شد، جهان دوقطبی بود؛ قطب شرق و قطب غرب بود. پیروزی انقلاب اسلامی، جهان را تبدیل به جهان سه‌قطبی کرد. در دوره‌ای دین به عرصه اجتماع آمد که هیچ محاسبه‌ای برای دین نمی‌شد و دین را یک موضوع تاریخی ازین‌رفته می‌دانستند. سکولاریسم بر کل جهان حاکم بود. فقط در حوزه‌های کاملاًفردی، دین وجود داشت. امام‌خمینی علیه‌السلام دین را به عرصه اجتماع آورد؛ به‌نحوی که به شرق و غرب طعنه می‌زدند. این تعبیر از بیانیه گام دوم است.

لذا با انقلاب اسلامی دین احیا شد؛ حتی ادیان غیر از اسلام به‌واسطه این حرکت انقلاب اسلامی قوت گرفتند. توانستند حرف بزنند. این تحلیلی است که بسیاری از تحلیل‌گران دینی به آن اذعان دارند. متدینین روی زمین، تمکن و قدرت پیدا کردند. با استبداد داخلی حکومت شاهنشاهی پهلوی مقابله کردند و آن رژیم را شکست دادند. جلوی طاغوت جهانی هم ایستاندند. بعد از جنگ جهانی دوم، هیچ کشوری با نظامی که به‌عنوان یک نیروی جهانی است، مقابله نکرده بود؛ اما ایران با آن تقابل مستقیم داشت و بسیار جدی بود. بعد از ایران، بسیاری از کشورها توانستند، جلوی آمریکا بایستند.

جمهوری اسلامی ایران شجره طیبه‌ای بود که در جامعه ایران شکل گرفت؛ اما ما نگاه به امت اسلامی داریم. این حرکت اربعینی که در حال حاضر شکل گرفته، یک ورود بسیار جدی به

همگرایی در سطح امت‌های اسلام است؛ یعنی نگاه به فراتر از خط مرزهای سیاسی ملی است. نگاهی به امت‌داشتن، جمع‌کردن امت اسلام زیر یک پرچم است. در اربعین سال‌های گذشته، شعار «حب‌الحسین یجمعنا» سر داده شد. این شعار بسیار مهمی بود. ما شاهد تقابل ملی ایران با عراق و کشورهای دیگر نیستیم و اربعین همه را دور هم جمع می‌کند.

**ه از نظر شما پیروزی انقلاب اسلامی در شکل‌گیری حرکتی که در اربعین انجام می‌شود، چه نقشی داشت؟**

● کل حرکت جمهوری اسلامی، براساس تأکید امام خمینی علیه‌السلام این است که قوام حرکت انقلابی، به عاشورا و تاسوعاست. بعضی‌ها، نگاه بسیار ملی و ناسیونالیستی دارند. این حرکت البته مذموم است و جهت‌گیری انقلابی نیست. سرداران شهید مانند حاج قاسم، نماد امت‌بودن جامعه دینی هستند. ما نظام اسلامی و دینی هستیم و در قانون اساسی هم به امت نگاه شده است و فقط ملیت در نظر گرفته نشده است. کجا می‌توانیم روی امت تکیه کنیم؟ فقط اربعین نیست؛ ولی اربعین یکی از نمودهای بسیار قوی همگرایی امت است. انسان‌هایی از اقلیت‌های مختلف، رنگ‌های مختلف نژادهای مختلف خودشان را در کاروان امت اسلامی می‌بینند و اتفاقاً آن شخصی که محور همه این کاروان است، اباعبدالله الحسین علیه‌السلام است. آن‌حضرت با یک نگاه اصلاحی قیام خودشان را شروع کرده بود و هرکسی که قدم در این کاروان می‌گذارد، خون‌خواه اباعبدالله الحسین علیه‌السلام است که برای اصلاح امت قیام کرد. افرادی که در این کاروان حرکت می‌کنند، قاعداً باید یک هویت پیرو اباعبدالله الحسین علیه‌السلام در اینها شکل بگیرد؛ لذا نگاه باید معطوف به امت اسلامی و اصلاح‌گری در این امت باشد. نکته دیگر اینکه از اربعین می‌توانیم به الهیات مقاومت برسیم؛ منظوم از الهیات مقاومت چیست؟ آن فضایی که فرد از درون، آزادی، انسانیت و جمع‌گرایی، هویت اسلامی را دارد و مبارزه با ظلم را تجربه می‌کند و در خود نهادینه می‌کند و هویت وجودی‌اش می‌شود. فضای حرکتی که در حال سیرکردن به سمت خدا از مسیر اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام است، اگر با الهیات مقاومت نگاه کنیم، حتی امت‌های غیراسلامی و افراد غیرمسلمان را زیر پرچم الهیات مقاومت با شعارهای انسانی حضرت اباعبدالله علیه‌السلام می‌توان جمع کرد که اگر مسلمان نیستید، آزاده باشید و در مقابل ظلم بایستید و این بسیار به آن حرکت جهانی حضرت حجت علیه‌السلام معطوف می‌شود که حکومت واحد را در تمام جهان شکل می‌دهد و حتی از ادیان مختلف به حضرت پیوند می‌خورند. چرا؟ چون می‌خواهند ظلم‌ستیزی، عدالت‌طلبی و

تقابل با طاغوت را تجربه کنند. این یک نگاه جمع‌گرایانه بین همه امت‌های آزاده و با ادبیات دیگر امت‌های ذیل پرچم‌های مقاومت است. **ه موضوعی که لازم بود به آن بپردازیم، دلالت‌هایی بود که اربعین برای شناخت جامعه ایرانی دارد. یک موضوع دیگر درمورد میزان دینداری جامعه بود. احساس من بر این بود که در جامعه اربعین لایه‌ای از هویت در حال بروز است که ورای هویت‌های ملی و مدرن است. به‌صورت خاص این پرسش مطرح است که دلالت‌های اربعین برای شناخت جامعه چه چیزی است؟**

● اگر من بخواهم نسبت اربعین را با جامعه ایران تبیین کنم، می‌توانم به این موضوع اشاره کنم که جامعه ایرانی بعد از انقلاب اسلامی به سمتی پیش می‌رود و هر روز هم کامل‌تر می‌شود که ملاک‌هایش را از ملیت به امت تغییر می‌دهد. ظهور این نگاه را در جاهای مختلف می‌توانید ببینید. مایک جنگ تحمیلی هشت‌ساله باعراق داشتیم ایران و عراق دو ملت بودند که هشت‌سال با یکدیگر جنگیدند. این جنگی نبود که بعد از ۲۰ سال فراموشش کنیم. هنوز شهید گمنام می‌آورند. افرادی از آن جنگ داریم که جانباز هستند. فرزند شهید داریم، نسل عوض نشده که فراموش کرده باشیم؛ اما می‌بینیم تا این اندازه همگرایی با ملت عراق پیدا می‌کنیم. این یک نمودی از رشد یک جامعه است که هویتش را اصالتاً اسلام تشکیل داده است و مناسبات تعاملی‌اش را بر پایه دینی تنظیم می‌کند. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: کار پیامبران برداشتن زنجیرها از پای افراد است. یکی از این غل و زنجیرها، طواغتی هستند که بر مردم حاکم می‌شوند؛ یعنی یک طاغوتی مثل صدام ممکن است، ملت خودش را به جنگ با ملت دیگر مجبور کند. منظور از جامعه ایرانی نه‌فقط یک رهبر، یک رئیس‌جمهور، یک رده تصمیم‌گیرنده است؛ خیر، کل جامعه ایرانی در تعامل با غیر خودشان این‌قدر بالا رفته‌اند که آن بغض‌های فروخته‌ای که در جنگ با ملت عراق داشتند، اصلاً در حرکت اربعین ظهور ندارد و اینها را برادر دینی خود و تحت حاکمیت دینی خودشان می‌بینند که با طاغوت می‌جنگند. اصالتاً برادر دینی با برادر دینی جنگ ندارد. اگر هم طاغوتی جنگی را راه انداخته باشد، این‌قدر فهم در جامعه ایرانی شکل گرفته است و جامعه‌ای آخراًزمانی داریم که بعد‌های شخصی‌شان بر رفتارهای‌شان غالب نمی‌شود.

این نکته‌ای در مورد نسبت جامعه ایرانی با اربعین است و این حضور ایرانی‌ها با این روحیه، اربعین را پررنگ‌تر می‌کند. نمی‌خواهم بگویم عراق در اربعین سهمی ندارد؛ ولی ورود به این فضا با این نگاه بسیار پررنگ‌تر است؛ به‌خصوص ایران که دین را به عرصه اجتماع آورده است. در حال

حاضر حرکت اربعین، نماد حرکت جمعی است و این بسیار مهم است. اینکه فرمودید آیا می‌شود اربعین را نماد دینداری گرفت؟ آیا می‌توان کثرت جمعیت را در اربعین یا اعتکاف‌ها یا نمازجمعه‌ها یا مساجد، نماد دینداری بگیریم؟ باید گفت پایه تمدن اسلامی به‌خصوص شیعی، ارتباط ولایی است که در هیأت‌ها و در فضاهای ایمانی تبلور پیدا می‌کند. اعتکاف یک نماد است، نماز جماعت یک نماد است، هیأت‌ها و اربعین نماد هستند. اگر بخواهیم دینی‌بودن جامعه خودمان را با گذشته‌مان مقایسه کنیم، باید مقداری نگاه‌مان در بستر جامعه واقعی‌تر باشد.

گاهی مقایسه‌های بسیار ساده و خام‌اندیشانه‌ای صورت می‌گیرد که نگاه کاملاً روبنایی می‌کنند و شرایط را لحاظ نمی‌کنند و این، باعث فریب‌خوردن افراد در تحلیل‌کردن وضعیت‌ها می‌شود.

در فضایی که بستر گناه فراهم است، در این فضا رشد جمعیت هیأتی یک جامعه، معنادار است. در این فضا رشد جمعیت عاشق حرکت اربعین معنا دارد. این اشتیاق برای ورود به عرصه‌های دینی از کجا آمده است؟ در فضایی از دینداری حرف می‌زنیم که خارج از مرزها بی‌دین‌بودن، بیداد می‌کند و استقرار یافته و قانونی شده و عرصه را برای غیر از خودش تنگ کرده است. پس نظر شخصی بنده این است که شلوغ‌بودن قطعاً نشان دینداری جامعه است. می‌گویند تبلیغات دستگاه‌های دینی باعث شده، مردم در پیاده‌روی اربعین شرکت کنند؛ بله افتخار هم می‌کنیم که توانستیم، از ابزارهای دولتی که داریم، برای گرایش‌دادن مردم به سمت دین استفاده کنیم. این مشکلی ندارد؛ اتفاقاً مؤمنان کسانی هستند که اگر تمکن و قدرت پیدا کنند، دین و اقامه نماز را گسترش و تقویت می‌کنند. این ابزارها باید در خدمت دین قرار بگیرد.

نکته دیگر چستی این جامعه است که آیا این حرکت در جامعه هویت ایجاد می‌کند؟ بله عرض کردم، آن جامعه‌ای که هویت هیأتی بگیرد، هویت امام حسینی و اربعینی در لایه‌های مختلف پیدا کند، جامعه‌ای خواهد بود که جهت حرکت الهی در آنها بروز و ظهور می‌کند. حرکت شما جهت دارد. ارتباطات شما معنادار می‌شود و این فرد را می‌سازد. اگر ان‌شاءالله این حرکت اربعین قطع نشود و حرکت‌های اربعین‌های بعدی را داشته باشیم، خواهیم دید افرادی که در این حرکت اربعینی شرکت می‌کنند و چندبار شرکت کرده‌اند، بسیار نسبت به گذشته خودشان متفاوت خواهند بود. اینها نیاز به برنامه‌ریزی هم ندارد؛ همان محیطی که عرض کردم، انسان‌ها را می‌سازد.

**ه یک اشکالی که وجود دارد، این است که می‌گویند اربعین یک حرکت مقطعی است و در فصل بسیار کوتاهی انسان‌ها دوباره به همان چهارچوب‌هایی بر می‌گردند که روحیات‌شان را شکل داده و دوباره از آن قالبی که چند روز اربعین داخل آن رفته بودند، خارج می‌شوند و به قالب قبلی خودشان برمی‌گردند. این سؤال را می‌خواستم مطرح کنم که این تداوم اثر تربیتی اربعین چگونه ممکن می‌شود؟**

● این یک نگرانی است. در تمام فضاهای تربیتی باید مراقب باشیم که مقطعی نباشد؛ یعنی باید به دنبال استمرارش باشیم. چه کار کنیم که این حرکت در یک مقطع خلاصه نشود. چه کار کنیم که آن کل یوم عاشورا و کل عرض کربلا در یک انسان محقق شود و خودش را پیوسته در کاروان الهی ببیند. اینجا جایی است که مؤمنان باید جامعه ایمانی و پیوندهای ایمانی خودشان را تقویت کنند. حاکمیت هم موظف است که پیوست‌هایی را برای اربعین در طول سال ببیند؛ مثلاً جلسات ماهانه یا هفتگی اینها رنگ و بوی متفاوتی دارند؛ چون پیوندشان قطع نمی‌شود، پیوندشان با امام و جامعه دینی خودشان قطع نمی‌شود. اینها قاعداً رو به رشد هستند؛ اما جامعه کفر و جامعه شیطان‌ی هم بسیار سرمایه‌گذاری می‌کند. طرف مقابل‌مان را نباید دست‌کم بگیریم. اینکه حرکت کند است و به آن نتیجه ایده‌آل و مطلوب نرسیده‌ایم، دلیل این نیست که حرکت نکرده‌ایم. اگر می‌توانستیم تمام سال فرد را در فضای اربعین ترسیم کنیم، بسیار رشدش بالا بود؛ اما به هرحال طراحی جامعه امروزه فضای ایده‌آل اربعینی نیست؛ ولی بسیار خوب است، برویم سه چهارسال از عمرمان را در ایده‌آل‌ترین حالتی که امروز وجود دارد، نفس بکشیم و یاد بگیریم برای تغییر وضع موجود به سمت وضع مطلوب رسالت پیدا کنیم؛ یعنی هرکسی که در این حرکت شرکت می‌کند، خودش را مسئول بداند؛ کما اینکه همه مسئول هستیم، برای اینکه محیط اطراف خود را آگاه کنیم. باید خودمان را در فضای اربعینی ترسیم کنیم و قدم‌به‌قدم بتوانیم، به جامعه توحیدی آماده ظهور تبدیل شویم؛ ولی جایی باید کلید این کار زده شود؛ آنجا همین اربعین است. اربعین یاد می‌دهد چگونه باشیم. اربعین الگو می‌دهد و موتور را روشن می‌کند. باید مراقب باشیم سوخت کافی از این فضاهای دینی بگیریم و حرکت‌مان را حفظ کنیم و تا سال بعد این حرکت‌مان استمرار داشته باشد.

منبع: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی